

۳- گندم و یاستهای تولیدی آن در کشورهای مختلف

گندم به لحاظ اهمیتی که از نظر تغذیه انسان و سهم مهمی که در غالب کشورهای در قوت توده‌های مردم داراست و تاثیرات اجتماعی - سیاسی که کمبود آن بر جای میگذارد یک کالای اساسی استراتژیک محسوب شده و همواره توجه خاصی را از ناحیه کلیه کشورهای بخود معطوف داشته است. گندم این کالایی که از نظر قیمت چندان حائز ارزش نیست در جای خود چنان اهمیتی مییابد که غالباً "بصورت اهرمی سیاسی و حتی بعنوان یک سلاح در به زیریوغ درآوردن کشورهای جهان سوم بکار رفته است. چنین است که می‌بینیم جریان تجارت این کالا عمدتاً "از سوی کشورهای توسعه یافته (یا مناطقی با سرمایه‌گذاری این کشورها) به سمت کشورهای در حال توسعه صورت میگیرد. شرایط اقتصادی حاکم بر جهان، حتی رکود اقتصادی سالهای اخیر که قیمت‌های جهانی مواد اولیه را به سطح بسیار نازل و بیسابقه‌ای در نیم قرن اخیر رسانده است - که قیمت گندم نیز در این میان از اثرات آن مصون نمانده - باز نتوانسته بر روی حجم تولید و تجارت کشورهای توسعه یافته تاثیر قابل توجهی بگذارد. سیاست‌های حمایتی همچنان برای کمک به بخش کشاورزی کشورهای توسعه یافته و سلطه آنها بر بازار جهانی ادامه یافته که این امر خود اهمیت استراتژیک و سیاسی حفظ برتری در بازار گندم را برای این کشورها منعکس میسازد.

بحث بر سر سیاست‌های تولیدی و تجاری در زمینه گندم ما را با شیوه‌هایی که کشورهای قدرتمند در جهت تشویق تولید (و تنظیم آن در مواقع ضروری به جهت تثبیت نسبی قیمت‌ها) بکار گرفته‌اند و از این طریق توانسته‌اند گوی سبقت

را از کشورهای در حال توسعه ربوده، تولیدکنندگان را در کشورهای جهان سوم غیراقتصادی ساخته و آنها را بیش از پیش در گرداب نفوذ اقتصادی سیاسی خود غرق سازند، آشنا ساخته و لزوم تدوین سیاستها و اعمال حمایتهای لازم را در داخل کشور بیش از پیش گوشزد می‌نماید.

اساساً، "مداخله دولت در عملکرد بازرگانی کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری در بخش کشاورزی نسبت به بخش معدن زیاده‌تر است و بدین وسیله بخش کشاورزی در مقابل کاهش قیمتها در بازرگانی مورد حمایت قرار می‌گیرد. برعکس در کشورهای در حال توسعه بدلائل مختلف از قبیل عدم توجه لازم به بخش کشاورزی، فقدان سیاستهای مشخص حمایتی، کمبود بودجه و... عملاً "حمایت موثری از این بخش صورت نمی‌گیرد. با لافتن سطح دستمزدها، پایین بودن سطح تکنولوژی و پایین بودن قیمتهای جهانی محصولات کشاورزی، کشاورزان این مناطق در تولید با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌سازند و توافقی نیز بین این کشورها در جهت تضمین یک سطح حداقل برای قیمت این کالاها و یا درآمدهای ارزی حاصل از صادرات آنها صورت نگرفته است.

مقایسه ایالات متحده آمریکا، جامعه اقتصادی اروپا و کشورهای در حال توسعه تفاوت‌هایی را از نظر ساختار زمانی که در آن تولیدات کشاورزی برای فروش عرضه می‌شوند نشان می‌دهد. برای کشورهای در حال توسعه روند قیمت‌های صادراتی مواد اولیه بطور مستقیم یا غیرمستقیم منعکس کننده تاثیرات متقابل تغییرات عرضه و تقاضا بر بازارهای جهانی است. برعکس قیمت‌های دریافتی توسط کشاورزان در ایالات متحده و جامعه اقتصادی اروپا از سیستم‌های پیچیده حمایت قیمت که از جانب دولت اعمال می‌شود و در ضمن فروش مازاد ذخایر به قیمت‌های سوپرساید شده در بازارهای ثالث نیز در بر می‌گیرد، تبعیت می‌کند.

البته در این میان تفاوت‌هایی نیز در سیاست‌های ایالات متحده

و جامعه اقتصادی اروپا (EEC) وجود دارد. در ایالات متحده، ویژگی اصلی برنامه حمایت قیمت شامل اعطای وام به کشاورزان به نرخ مشخصی برای محصولات خاص می باشد، که بر این اساس محصول بخودی خود، وثیقه وام شمرده میشود و در مقابل کشاورزان که از این وامها استفاده میکنند باید سهم مشخصی از سطح زیرکشت خود را از تولید آن محصول خاص خارج سازند. اگر قیمت‌های بازار بیش از "Loan rate" ^(۱)، یعنی مبلغی باشد که به ازای هر بوشل از محصول وام داده میشود، کشاورز میتواند محصول خود را بفروشد و وام را با زیاده بپردازد. اگر قیمتها به زیر "Loan rate" تنزل کند، کشاورز مختار است که وام را با زیاده بپردازد. در چنین شرایطی محصول بصورت بخشی از ذخایر مورد تملک دولت درمی آید. بنا بر این، "میزان وام" عملاً بصورت حداقل قیمت تضمین شده برای محصولات خاص درمی آید. علاوه بر این، کشاورزان دوباره برای انتخابی از محصولات یک مبلغ جبرانی دریافت میکنند که ما به التفاوت این "میزان وام" و "قیمت هدف" (Target Price) که بیش از "میزان وام" است می باشد. "میزان وام" و "قیمت‌های هدف" هر دو بر حسب وضعیت بورسها و ذخایر، سالانه تغییر داده میشوند. بنا بر این قیمت‌های موثری (effective Prices) که بدست کشاورزان تولیدکننده محصولات مشمول این حمایتها و سایر ترتیبات تضمین قیمت میرسد، در دوران کساد اقتصادی تنها به اندازه بخشی از کاهش قیمت در بازار جهانی تنزل یافته است.

(۱): "Loan rate" یا "میزان وام به ازای هر بوشل" در حقیقت نوعی حداقل قیمت تضمین شده است. بر این اساس به ازای هر بوشل از مقدار تولید شده توسط کشاورزان، مبلغ تعیین شده وام برای هر محصول به آنها پرداخت میشود. در ضمن هر بوشل گندم برابر ۶۰ پوند یا ۲۷/۲۲ کیلوگرم و هر بوشل ذرت برابر ۵۶ پوند یا ۲۵/۴۰ کیلوگرم است.

برعکس این مورد، سیستم تضمین قیمت "EEC" است که بر مبنای کنترل خود قیمت‌های بازار که در مذاکرات سالانه بین دولت‌های عضو تثبیت میشود، استوار است. این مذاکرات معمولاً "به سطح نسبتاً بالای قیمت محصولات زراعی داخلی و وضع عوارض متغیر وارداتی بر روی واردات رقیب از منابع ارزانتر، برای بالابردن قیمت‌های وارداتی به سطح قیمت‌های داخلی منجر شده است. با یادگفت هزینه بسیار بالای "سیاست مشترک کشاورزی" (CAP) (۱) جا معه اقتصاد اروپا پیشنهادات بسیاری را برای اصلاح آن در چند سال اخیر برانگیخته است. لکن فشارهای اعمال شده برای کاهش قیمت‌های تضمینی تاکنون هیچ اثر قابل توجهی در پائین بردن قیمت‌های واقعی محصولات زراعی نداشته است. در نظر حمایت صادراتی EEC، سوبسیدهای صادراتی برای صادرات مازاد محصولات کشاورزی به خارج از EEC بکار گرفته شده است. با یادگفت از اثرات اعمال سوبسید بر روی صادرات مواد غذایی در این کشورها، تشدید فشارهای کاهش دهنده قیمت‌های جهانی مواد غذایی بخصوص غلات است که تا ثیرات رکود را بر روی صادرات محصولات کشاورزی کشورهای جهان سوم نیز شدت بخشیده است. البته تنها کشورهای در حال توسعه نیستند که از این امر متأثر گشته‌اند، بلکه سایر کشورهای پیشرفته سرمایه داری نظیر استرالیا که تا حد زیادی به فروش این کالاها در بازارهای جهانی وابسته است نیز از آن متأثر شده‌اند.

سیاست‌هایی که کشورهای مختلف در زمینه تولید گندم اتخاذ میکنند با توجه به شرایط اقتصادی و وضعیت بازار مرتباً "مورد تجدید نظر قرار می‌گیرد. برای آشنایی کلی با روشها و اهرم‌های مورد استفاده جهت تشویق تولید و گسترش صادرات گندم در کشورهای عمده صادرکننده، بطور اجمال برنامه‌هایی را که این کشورها در دوره اخیر تنظیم و تدوین نموده‌اند مورد بحث

(۱): Common Agricultural Policy.

قرار میدهیم. از آنجمله، سیاستهای تولیدی در مورد گندم در ایالات متحده،
کانادا، آرژانتین و استرالیا.

ایالات متحده

oooooooooooooooooooo

چنانکه قبلاً گفته شد ایالات متحده در زمینه کنترل و نظارت بر تولید گندم از ابزارهایی استفاده میکند که اهم آنها عبارتند از: پرداختهای ماهیانه - التفاوت (deficiency Payment)، پرداخت وام به ازاء هر بوشل محصول (Loan rate)، قیمت هدف (target Price)، برنامه کاهش سطح زیرکشت یا A R P (Acreage Reduction Program)، برنامه حفاظت منابع و ذخایر طبیعی (Conservation Reserve)، تعیین بازده محصول و سطح زیرکشت پایه، تعیین حدود پرداختها، تنظیم برنامههای صادراتی (شامل برنامه افزایش صادرات اعتبارات مستقیم صادراتی، اعتبارات کوتاه مدت و میان مدت، کمکهای غذایی، ترجیحات حمل بار) و "قانون بودجه متوازن" (Balanced Budget Law) که در "قانون امنیت غذایی" (Food Security Act) هر ساله مشخص میشود. ضمن بررسی اجمالی موارد فوق، برنامه زراعی سال ۱۹۸۶ ایالات متحده در ذیل تشریح خواهد شد.

قبلاً توضیح داده شد که ایالات متحده جهت تشویق تولید و مصون نگاه داشتن کشاورزان آن کشور از نوسانات قیمت گندم در بازار جهانی، در زمان برداشت محصول قیمتی را بر اساس محاسبات خاص برای گندم اعلام میکند که به آن اصطلاحاً "قیمت هدف" گفته میشود. همچنین کشاورزان شرکت کننده در برنامه های زراعی میتوانند از حداقل قیمت برخوردار شوند، بدین نحو که به ازای هر بوشل از محصول خود میتوانند مبلغی را دریافت کنند که به آن "Loan rate" یا "Loan Price" گفته میشود. طبیعی است که معمولاً

تفاوت‌های بین "میزان وام" پرداختی، "قیمت هدف" و قیمت بازار داخلی وجود دارد که با بت آن بعداً "پرداخت‌هایی به کشاورزان صورت می‌گیرد، که به پرداخت‌های ماهانه تفاوت موسوم است. این پرداخت‌ها تنها به تولیدکنندگان تعلق می‌گیرد که در برنامۀ رسمی زراعی کشور شرکت کرده باشند. میزان آن بر مبنای تفاوت بین "قیمت هدف" و میانگین موزون قیمت‌های بازار داخلی در دوره ژوئن تا اکتبر (۵ ماه اول سال تجاری) و یا میزان تفاوت "قیمت هدف" با "میزان وام ملی" (National Loan rate) برحسب اینکه کدامیک بیشتر باشد، صورت می‌گیرد. کل پرداخت‌های ماهانه تفاوت برای سال ۱۹۸۶ برای گندم حدود ۱/۵ میلیارد دلار برای جو وجود داشته ترتیب ۱۵۰ و ۱۰ میلیون دلار بوده است. میزان پرداخت ماهانه تفاوت برای گندم در سال ۱۹۸۵ در جدول زیر ارائه شده است.

جدول شماره ۱- میزان پرداخت ماهانه تفاوت برای گندم در آمریکا، ۱۹۸۵

دلار برای هر تن متریک	دلار برای هر بوشل	
۱۶۰/۹۴	۴/۳۸	قیمت هدف
۱۲۱/۲۵	۳/۳۰	میزان وام پرداخت
۳۹/۶۹	۱/۰۸	ما به تفاوت

ماخذ: International Wheat Council, Review of the World Wheat Situation, 1985/86 (London: April 1987).

در قانون امنیت غذایی اصلاح شده سال ۱۹۸۵، که برای دوره ۱۹۸۶-۹۰ مجری خواهد بود سعی شده است که کشاورزان آمریکا بیش از پیش متوجه بازار آزاد شوند، به این منظور "میزان وام" برای انواع غلات کاهش داده می‌شود. قیمت‌های هدف فعلاً "برای دو سال حفظ میشوند و سپس

بتدریج کاهش خواهند یافت. میزان اولیه وامهای پایه برای گندم و ذرت در سال ۱۹۸۶ برابر ترتیب بوشلی ۳ دلار (تنی ۱۱۰/۲۳ دلار) و ۲/۴۰ دلار (تنی ۹۴/۴۹ دلار) تعیین شد ولیکن بعداً "به هر بوشل ۲/۴۰ دلار (تنی ۸۸/۱۸ دلار) و ۱/۹۲ (تنی ۷۵/۵۹ دلار) کاهش یافت. از سال ۱۹۸۷ به بعد، میزان وامها از ۶ هر بوشل هر ساله حدود ۸۵-۷۵ درصد میانگین قیمت سالانه‌ای که تولیدکنندگان در طول پنج سال گذشته دریافت کرده‌اند خواهد بود (با حذف حداکثر و حداقل قیمت در محاسبه میانگین). در هر حال میزان کاهش سالانه نباید از ۵ درصد تجاوز کند. بعداً از محاسبه میزان اولیه وامها وزیر کشاورزی میتواند رقم آن را تا ۲۰ درصد کاهش دهد، بشرط آنکه قیمت‌های بازار در دوره گذشته از ۱۱۰ درصد میزان وام پایه برای آن سال تجاوز نکرده باشد. در صورتیکه برای حفظ موقعیت رقابتی آمریکا در بازارهای جهانی لازم دیده شود، کاهش دیگری تا به همین اندازه نیز ممکن است صورت گیرد. برای محصول ۱۹۸۶ از وزیر کشاورزی خواسته شد که از این اختیار استفاده کرده و "میزان وام" برای هر بوشل را حداقل ۱۰ درصد کاهش دهد. قانون جدید به وزیر کشاورزی این اختیار را میدهد که با زیاده‌مها را تا سطح کم ۷۰ درصد "میزان اولیه وام" (Original Loan rate) تقلیل دهد که به آن اصطلاحاً "Marketing Loans" اطلاق میشود. اگر به تولیدکنندگان اجازه داده شود که وامها را به نرخ کمتری با زیاده‌مها بخرند و سپس غلات را در بازار بفروش‌رسانند، دولت از زیاده‌مها هزینه حمل و نقل و ذخیره‌سازی اجتناب خواهد کرد. در این صورت غلات بیشتری نسبت به مقداری که تحت تملک دولت در میآید، روانه بازار میشود.

تعیین "قیمت هدف" در اختیار وزیر کشاورزی است با این شرط که میزان آن برای سال ۱۹۸۸ کمتر از ۹۸ درصد و برای سال ۱۹۸۹ کمتر از ۹۵ درصد و برای سال ۱۹۹۰ کمتر از ۹۰ درصد "قیمت هدف" سال ۱۹۸۶ نباشد. ضمناً "حداقل قیمت هدف" نیز باید برای هر بوشل گندم ۴ دلار (تنی ۱۴۶/۹۷ دلار) و برای

ذرت بوشلی ۲/۷۵ دلار (تنی ۱۰۸/۲۷ دلار) باشد. برای کلیه سالها تا ۵ درصد کل پرداختهای مابها لتفاوت میتواند به شکل "پرداخت جنسی" (Payment in Kind) صورت گیرد.

در صورتی به تولیدکنندگان شرکت کننده در برنا مه زراعتی پرداختهای مابها لتفاوت صورت میگیرد که قیمتهای بازار در طول پنج ماه اول سال تجاری کمتر از "قیمت هدف" باشد. برای سالهای ۱۹۸۶ و ۱۹۸۷ - قیمتهای هدف برای گندم و ذرت بترتیب در سطح بوشلی ۴/۳۸ دلار (تنی ۱۶۰/۹ دلار) و بوشلی ۳/۰۳ دلار (تنی ۱۱۹/۲۹ دلار) باقی خواهد ماند.

وزیر کشاورزی همچنین میتواند "برنا مه هدف اختیاری" (Target Option Program) را پیشنهاد کند که بدان وسیله یک تولیدکننده منقرضتواند در صورتیکه کاهش سطح زیرکشت وی بیش از میزان تعیین شده برای آن سال باشد، صلاحیت استفاذه از قیمت هدف بالاتری را بیابد، یا برعکس "قیمت هدف" میتواند نسبت به وسعت مزرعه نیز متفاوت باشد، تا بدین وسیله پرداختها بیشتر به سمت مزارع با اندازه متوسط تمرکز یابد.

تولیدکنندگان برای کسب صلاحیت جهت دریافت مبالغ مابها لتفاوت باید به برنا مه کاهش سطح زیرکشت (A R P) ملحق شوند. برنا مه کاهش سطح زیرکشت در سالهای به اجرا در میآید که ذخایر آغاذ دوره گندم از یک میلیون بوشل (۲۷/۲ میلیون تن) تجاوز نکند. یکی از مفا دبرنا مه کاهش سطح زیرکشت، تولیدکنندگان را در کشت محصولات خارج از طرح بر روی زمینهاییکه با قبول این برنا مه کنار گذاشته شده اند محدود میکند، که این مسئله به جهت حمایت از تولیدکنندگان محصولات نظیر آفتابگردان، سیب زمینی و حبوبات در نظر گرفته شده است. در کل برنا مه سال ۱۹۸۶، میزان کنار گذازی زمینها حدود ۲/۵ درصد در نظر گرفته شده است که شرکت کنندگان در آن مشمول پرداخت جنسی میشوند.

از دیگر بخشهای "فانونا منیت غذایی"، برنا مه حفاظت از منابع و ذخایر طبیعی است. برطبق این برنا مه کشت و رزانه متعهد میشوند که ظرف مدت ۱۵ تا ۱۵ سال، مقدار ۴۵ میلیون جریب (۱۸-۱۶ میلیون هکتار) از زمینها را به مصارف نظیر مرتع یا جنگل که شدت استفاده از خاک در آنها کمتر است اختصاص دهند. این مقدار زمین علاوه بر مناطقی است که تحت پوشش برنا مه کاهش سطح زیرکشت قرار میگیرد. در مقابل تولیدکنندگان بهره مالکانه (رانت) زمین را بصورت پرداخت جنسی دریافت میکنند. مبلغی نیز جهت تامین بخشی از هزینه های مربوط به تبدیل و اصلاح زمین صورت میگیرد. سقف این پرداختها برای هر نفر در سال معادل ۵۰۰۰۰ دلار است که به تولیدکنندگان شرکت کننده در برنا مه حفاظت از منابع طبیعی (خاک) تعلق میگیرد. هدفهای تعیین شده برای تکمیل این برنا مه برای سال ۱۹۸۶، ۵ میلیون جریب (۲ میلیون هکتار)، برای دوره ۸۹-۱۹۸۷ سالانه حدود ۱۰ میلیون جریب (۴ میلیون هکتار) و سال ۱۹۹۰ حداقل به میزان ۵ میلیون جریب (۲ میلیون هکتار) است.

معیاری که برای تعیین میزان پرداختهای حمایتی هر کشت و رزانه در نظر گرفته میشود میزان تولید محصول هر مزرعه است. میزان تعیین شده محصول برای سالهای ۱۹۸۶ و ۱۹۸۷ برابر متوسط میزان محصول در برنا مه های دوره ۸۵-۱۹۸۱- با حذف کمترین و بیشترین مقدار - میباشد (به شرطی که بین این میزان و میزان واقعی سال ۱۹۸۵ بیش از ۳ درصد تفاوت نباشد) و هرگونه کاهش بیشتری نسبت به این میزان با پرداخت جنسی از محل ذخایر دولتی جبران میشود. برای انجام این پرداختهای جنسی در سال ۱۹۸۷ با ۵۵ درصد در سال ۱۹۸۸، ۱۰ درصد اختلاف بین میزان واقعی محصول و میزان تعیین شده در برنا مه وجود داشته باشد. برای سالهای ۱۹۸۸-۱۹۸۸ احتمالاً "وزیر کشت و رزی میزان واقعی و اخیر محصولات را برای محاسبه

میانگین مقدار تولید بکار خواهد برد. سطح زیرکشت پایه برای هر مزرعه نیز متوسط سطح کشت شده برای هر محصول در ۵ سال گذشته می باشد.

بجز در موارد استثنائی، سقف پرداختهای در نظر گرفته شده در قانون زراعی که برای هر تولیدکننده سالانه معادل ۵۰۰۰۰ دلار است رعایت میشود. از جمله مواردی که از سقف پرداخت مستثنی میشوند، پرداختهای مربوط به "قیمت هدف" است که برای جبران کاهش "میزان وامها" (Loan Rates) به سطحی کمتر از سطوح اولیه آنها لازم می باشد و نیز پرداختها یی که بر طبق نظرو زیرکشا ورزی تحت مقررات کاهش هزینه ها صورت میگیرد. (در صورتیکه تولیدکننده در موقع بازپرداخت وامهایی که مقدارشان از سطح اولیه وام کمتر بوده، سود ببرد، از این امر مستثنی خواهد بود). سقف پرداختهای اضطراری به هر تولیدکننده (به هنگام حوادث مصیبت بار) ۱۰۰۰۰۰ دلار در نظر گرفته شده است.

بخش دیگر قانون زراعی شامل برنامهای صادراتی کالاهای کشا ورزی است. این برنامه ها جهت تشویق و توسعه فروشهای صادراتی تدوین شده و عمدتاً "در رابطه با اشکال متعدد اعتبارات دولتی یا سایر کمکهای رسمی است، که مهمترین آنها عبارتند از: برنامه افزایش صادرات، اعتبارات مستقیم صادراتی، اعتبارات کوتاه مدت و میان مدت.

در برنامه افزایش صادرات، کالاهای مجموعاً "به ارزش ۷۵ میلیارد دلار (که ۱ میلیارد دلار آن اجباری است) باید در هر یک از سالهای مالی ۸۸-۱۹۸۶ (اکتبر - سپتامبر) جهت مقابله با اقدامات غیرعادلانه تجاری صادرکنندگان خارجی برای صدور دسترس با شد که حداقل ۱۵ درصد آن مربوط به صادرات گوشت، محصولات گوشتی و مرغ است.

اعتبارات مستقیم صادراتی جهت مقابله با سوبسیدها، سهمیه های وارداتی غیرعادلانه تجاری "سایر کشورها، در نظر گرفته شده که

مقدار آن برای هر یک از سالهای مالی ۸۸-۱۹۸۶ معادل ۱۱۰ میلیون دلار (به صورت کالایا پول) در نظر گرفته شده است. چنین اعتباراتی تحت برنامه‌های اعتبارات مختلط (Blended Credit) تخصیص مییابد. به برنامۀ اعتبارات کوتاه مدت که اعتبارات صادراتی را حداکثر تا مدت سه سال تضمین میکند، تحت برنامه ۱۰۲-GSM سالانه ۵ میلیون دلار اختصاص مییابد. به برنامۀ اعتبارات میان مدت که تضمین اعتبارات صادراتی را برای دوره‌های ۳ تا ۱۰ سال در بر میگیرد تا سال ۱۹۸۸ سالانه حداقل ۵۰۰ میلیون دلار اختصاص مییابد، و سقف تعیین شده آن برای سال مالی ۱۹۸۹ یک میلیارد دلار است. این اعتبارات همچنین میتواند برای کمک به کشورهای در حال توسعه جهت جوامع بگوئی به نیازهایشان در زمینه مواد غذایی و ایلیا ف با هدف توسعه صادرات کشتا و رزی آمریکا بکار رود.

یکی از کانالهای عمده عرضه مازاد محصولات کشتا و رزی ایالات متحده اعطای کمکهای غذایی تحت برنامه "غذا برای صلح" (۱) است بودجه این برنامه سالانه یک میلیون دلار میباشد. حداقل ۷۵ درصد مواد غذایی اعطایی تحت این برنامه باید بصورت محصولات پردازش شده، غنی شده (Fortified) یا بسته بندی شده باشد. برای سال ۱۹۸۶، حداقل میزان مواد غذایی اعطایی در سطح سال ۱۹۸۵ و برابر ۱/۸ میلیون تن در نظر گرفته شده است. برای دوره ۹۰-۱۹۸۷، حداقل مواد غذایی اعطایی ۱/۹ میلیون تن تعیین شده است. حداقل ۱/۵ درصد از بودجه قانون ۴۸۰-PL برای سال مالی ۱۹۸۶ و ۱۹۸۷ باید صرف همکاریهای تکنیکی کشتا و رزان با یکدیگر شود. تحت طرح جدید "غذا برای پیشرفت" که سیاست توسعه موسسات خصوصاً در کشورهای دریا فت کننده کمک را دنبال میکنند در سالهای مالی ۱۹۹۵-۱۹۸۹ به کشورهای

(۱): Food For Peace.

(۲): Food For Progress.

مزبور بین ۷۵۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰ تن غلات و دانه های روغنی کمک اعطاء خواهد شد .
در اعطای کمکها ترجیحا "بایدا زکشتی ها ئی با پرچم آمریکا برای حمل
استفاده شود .

دولت آمریکا بمنظور کاهش کسری بودجه آن کشور قانونی را با
عنوان "قانون بودجه متوازن" اعلام داشت که تحت آن مقرر شد وزارت کشاورزی
آمریکا مخارج نقدی خود را در سال ۱۹۸۶ به میزان ۴/۳ درصد (۳/۱ میلیارد دلار)
کاهش دهد . تا ثیلز این کاهش مخارج بر روی همه برنامهای کشاورزی باید
بطور یکسان باشد . به همین دلیل ممکن است میزان وام پرداختی (به ازاء
هر بوشل) به تولیدکنندگان کاهش یابد . البته پرداختهای جنسی که در آن
کالا مورد استفاده قرار میگیرد مشمول این کاهش نخواهد شد .

برنامه اعلام شده برای تولید گندم در سال ۱۹۸۷ از سوی وزارت
کشاورزی آمریکا شامل ۲۷/۵ درصد کاهش سطح زیر کشت است . "میزان وام"
برای هر بوشل گندم ۲۸/۲ دلار (تنی ۸۳/۷۸ دلار) خواهد بود . که حداقل مقداری
است که قانون تعیین کرده است . این مقدار در سال ۱۹۸۶ معادل بوشل
۴۰/۲ دلار (تنی ۸۸/۱۸ دلار) بود . "قیمت هدف" همچنان در سطح بوشل
۴۰/۲ دلار (تنی ۹۴/۱۶۰ دلار) میباشد . ضمناً "تولیدکنندگان موظف هستند زمین
به وسعت ۳۷/۹۳ درصد سطح زیر کشت گندم را جهت حفاظت از خاک کنار بگذارند .
در دوره زراعی گذشته (۸۷-۱۹۸۶) کشاورزان شرکت کننده در برنامه
رسمی کشت ، به هنگام ثبت نام در این برنامه میتوانند تا ۴۰ درصد مبلغ
برآورد شده توسط دولت را در مورد پرداختهای ما به التفاوت بسیاری
محصولات مورد نظر دریافت دارند . سه چهارم این پیش پرداخت نقدی و بقیه
بصورت گواهی نامه های عمومی و بی نام (ژنریک) با حق استفاده از
پرداختهای جنسی بود که این گواهی نامه ها قابل معامله نیز میباشند ،

اما داوونده آن تنها در "سازمان اعتبارات کالایی" (CCC) (۱) و به قیمتی که این سازمان تعیین میکند میتواند آنها را نقد سازد.

کانادا

oooooooooooo

کانادا یکی از مهمترین تولیدکنندگان و صادرکنندگان گندم در جهان است، و حمایت‌های قابل توجهی از بخش کشت و ریزی خود بعمل می‌آورد. بخصوص در شرایط حاضر که قیمت گندم کاهش یافته و تقاضا برای این محصول تا حدودی محدود گذشته است دولت این کشور اقداماتی را در جهت مصون نگه داشتن کشت و ریزان از نوسانات بازار اتخاذ کرده است. از جمله این اقدامات پسرداختهایی است که تحت قانون تثبیت قیمت غلات غرب (۲) به تولیدکنندگان صورت می‌گیرد و شامل پرداخت‌های اولیه و پرداخت‌های نهایی است. اقدامات دیگر شامل افزایش قیمت‌های گندم مصرفی برای خوراک انسان در داخل کانادا، حذف موثر مالیات‌های دولت فدرال بر روی مواد سوختی مورد استفاده در مزارع کشت و ریزی و ثابت نگه داشتن سهم کشت و ریزان در نرخهای حمل غلات برای دوره ۸۷-۱۹۸۶ می‌باشد.

برای دوره ۱۹۸۶، قیمت‌های اولیه تعیین شده از سوی هیئت گندم کانادا که در زمان تحویل غلات توسط تولیدکنندگان به سیلوهای محلی به آنها پرداخت میشد نسبت به دوره‌های قبل از ۱۶۰ به ۱۳۰ دلار کانادا برای هر تن کاهش داشته است (به میزان ۱۹ درصد در مقایسه با ۲۷ درصد مربوط به کاهش نرخ و ام‌برای هر بوشل در آمریکا) که ضمن نشان دادن وضعیت حاکم بر بازار، به منظور به مصرف رساندن گندم تولیدی نیز بوده است. از جمله کمک‌هایی که در این کشور به تولیدکنندگان اعطاء میشود برای حفاظت

(۱): Commodity Credit Corporation.

(۲): Western Grain Stabilization Act (WGSA).

از محصول و حفظ استانداردهای کیفی لازم است بطور مثال در دوره‌های قبل بخاطر رطوبت زیاد هوا و در معرض خطر فساد قرار گرفتن محصول سال ۱۹۸۵ هیئت گندمکانادا پرداختهای نقدی به میزان تا ۳۰۰۰ دلار کانادا (۲۱۹۶ دلار آمریکا) را بعنوان هزینه خشک کردن غلات برای کشاورزان منطقه "Prairie" ^(۱) که گندمهایی با رطوبت ۴/۶ تا ۱۷ درصد را برداشت کرده بودند در نظر گرفت. این مساعده‌ها بدون بهره‌برده و در زمان فروش غلات توسط تولیدکنندگان با پرداخت میشود.

بودجه‌ای که تحت قانون تثبیت قیمت غلات غرب (W G S A) صرف پرداخت به کشاورزان میشود قابل توجه است برای مثال، در دوره ۸۶-۱۹۸۵ میزان آن به ۵۸۰ میلیون دلار کانادا (۴۲۰ میلیون دلار آمریکا) بالغ میشود، که متوسط پرداخت به ۱۲۰۰۰۰ تولیدکننده و اجده شرایط به ۴۰۰۰ دلار کانادا (۸۹۴ دلار آمریکا) میرسد. برنامه تثبیت قیمت غلات غرب مشترکاً توسط دولت فدرال و تولیدکنندگان تامین مالی شده و هدف از آن فراهم کردن کمکهای مالی برای کشاورزان در دوره‌هایی است که خالص جریان نقدی حاصل از فروش غلات و دانه‌های روغنی کمتر از متوسط پنج سال گذشته باشد. این برنامه‌ها و طلبیه بوده و حدود ۷۸ درصد از کل تولیدکنندگان غلات در منطقه "Prairie" در آن شرکت دارند.

^(۲) قیمت گندم برای مصارف داخلی جهت آرد کردن کسسه از دوره ۸۰-۱۹۷۹ بین ۷۱ تا ۷۴ دلار کانادا برای هر پوشل (۲۵۷-۱۸۴ دلار کانادا برای هر تن) بفروش میرسد، اکنون به منظور بهبود بخشیدن به درآمد تولیدکنندگان قرار است به پوشلی ۶ تا ۱۱ دلار کانادا (۴۰۴-۲۲۰ دلار کانادا برای هر تن) افزایش

(۱): شامل ایالت‌های مانیتوبا، ساسکاچوان و آلبرتا.

(۲): بر مبنای گندم شماره ۱، CWRS با ۱۳/۵ درصد پروتئین در انبار تا ندربی.

یا بد حذف مالیاتهای دولت فدرال بر روی سوخت دیزل و بنزین مصرفی بوسیله صنایع کشاورزی که رقمی در حدود ۱۶۵ میلیون دلار کانادا (۱۱۹ میلیون دلار آمریکا) را شامل میشود و نیز تثبیت نرخهای حمل و نقل که قبلاً "فرا ریبود" ۲۵ درصد اضافه شود تا تیرقایل توجهی بر روی درآمد تولیدکنندگان گندم آن کشور داشته است .

(۱)
جدول شماره ۲- کانادا: کل پرداختها به تولیدکنندگان گندم (برای هر تن)

نوع گندم	دلار کانادا			دلار آمریکا ۱۹۸۴/۸۵
	۱۹۸۴/۸۵	۱۹۸۳/۸۴	۱۹۸۲/۸۳	
گندم شماره (۱) CWS با ۱۳/۵ درصد پروتئین	۱۹۳/۵۰۷	۱۹۹/۰۵۶	۱۹۷/۲۲۶	۱۳۸/۷۶
گندم شماره (۱) CW-Amber Durum	۲۰۴/۸۵۳	۲۰۴/۰۴۳	۱۸۷/۴۴۵	۱۴۶/۹۰

ماخذ: International Wheat Council, Review of the World Wheat Situation 1985/86 (London: April 1987).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

آرژانتین
○○○○○○○○○○○○○○○○○○

دولت آرژانتین در مواجبه با موقعیت بسیار سخت اقتصادی، از جمله تورم فزاینده حدود ۲۰ درصد در ماه، رکود، کسری بودجه به میزان بیش از ۱۰ درصد محصول ناخالص ملی (GNP) و بزرگترین کسری خارجی در تاریخ آن کشور، یک سیاست اقتصادی برای بدست آوردن ثبات و ایجاد رشد

(۱): شامل پرداختهای اولیه و نهایی .

بیشتر تنظیم کرده که در آن توجه خاصی به افزایش صادرات محصولات کشاورزی مبدول شده است. پیش بینی میشود در صورتیکه استفاده از تکنولوژی - که اکنون توسط کشاورزان پیشرفته‌تر بکار گرفته میشود - جنبه عمومی پیدا کند تا پایان دهه ۹۸ تولید غلات میتوانند به ۶ میلیون تن افزایش یابد. حاصلخیزی زیاد زمینهای قابل کشت چنان مزیت نسبی ممتازی را در تولید غلات به آرزو نتهین داده که برای سالیان سال به منظور انتقال منابع به سایر بخشهای اقتصادی، صادرات غلات مالیات اخذ شده است اما به تحلیل رفتن امکانات کشاورزی منجر به رکود حتی کاهش تولید غلات در اوایل دهه ۹۵ و ۹۶ شد. این روند نزولی در اوایل دهه ۹۷ با بکارگیری تکنولوژی جدید تغییر جهت یافت: با زده تولید غلات بین سالهای ۹۷ و ۹۸ تقریباً "دو برابر شد و تولید با نرخ متوسط سالانه ۴/۴ درصد افزایش یافت. تکنیکهای جدید نیز کشاورزان را قادر ساخت که در پاسخ به شرایط بازاری جهانی و تغییر درآمدهای نسبی راحت‌تر بتوانند تولید خود را در میان محصولات مختلف (گندم، ذرت، ذرت خوشه‌ای، سویا و بزرک) تغییر دهند. به منظور تشویق بیشتر تولید و صادرات محصولات کشاورزی نیز اقدامات زیر صورت گرفته است: شدت بخشیدن به استفاده از تکنولوژی جدید و افزایش کاربرد نهاده‌های کشاورزی (مصرف کودهای شیمیایی در طول دو سال گذشته دو برابر شده است)، اصلاحات مالیاتی شامل جایگزینی مالیاتهای صادراتی مستقیم با مالیات بر زمین، تشویق با زدهی بیشتر تولید و بهبود کارآیی با زار که در این زمینه آرزو نتهین از رقبای خود عقب مانده است در طول سه سال آینده، سرمایه‌گذاریهای جدید شامل سرمایه‌گذاریهای بخش خصوصی، بر روی مدرنیزه کردن سیستم تجارت غلات متمرکز خواهد بود. انتظار میرود تا سال ۱۹۸۹، اقدامات جدید برای آرزو نتهین سالانه ۱ میلیارد دلار در آمدارزی اضافی به همراه داشته باشد.

دولت آرژانتین اخیراً "یک برنامه اعتباری به ارزش بالغ بر ۱۱۰ میلیون دلار را برای کمک به کشتا و رزان برای خرید بذری برای کاشت غلات و سویا اعلام کرده است. این اعتبارات احتمالاً "بیشتر برای غلات دامی بکار می‌رود و انتظار می‌رود، حدود ۶۰ درصد هزینه مربوط به بذری برای محصول ۱۹۸۶ را از این طریق تامین شده باشد. هر تولیدکننده می‌تواند حداکثر از اعتباری معادل ۳۳۰ دلار برخوردار شود که بوسیله بانک ملی آن کشور پرداخت می‌شود. نرخ بهره تنها ۳/۵ درصد است و این اعتبارات باید در مدت هفت ماه با زی پرداخت شود.

در روز سوم آوریل سال ۱۹۸۶ اعلام شد که بانک جهانی با پرداخت یک و ۳۵۰ میلیون دلاری به آرژانتین، برای تامین مالی توسعه بخش کشتا و رزی موافقت کرده است. این وام می‌باید تنزل درآمد ناشی از کاهش مالیات صادراتی مربوط به غلات و دام‌های روغنی را که بانک جهانی بر روی آن اصرار دارد، جبران سازد. مالیات صادراتی گندم بطور مدام کاهش یافت و از ۲۶/۵ درصد در تاریخ ۱۳ ژوئن ۱۹۸۶ به ۵ درصد تنزل یافت و در سال جاری نیز کاملاً لغو شد.

مالیات صادراتی برای سایر غلات ۱۵ درصد تعیین شده است. مالیاتهای صادراتی از غلات که یکی از منابع اصلی درآمد دولت است با درآمدی بالغ بر ۱/۲ میلیارد دلار در سال احتمالاً "با یک سیستم جدید اخذ مالیات از زمینهای کشتا و رزی جایگزین می‌شود. این امر کشتا و رزان را قادر می‌سازد تا با از بین رفتن عدم اطمینانهای ناشی از تغییرات سطح مالیاتهای صادراتی، برنامه تولید را بطور کارآتری طرح‌ریزی کنند. سیستم مالیات جدید می‌تواند همزمان هم موجب رها کردن زمینهای حاشیه‌ای و نامرغوب کشتا و رزی شود و هم می‌تواند موجب تشویق برای استفاده از مراتع که در حال حاضر برای بیشتر یا مسال عاطل افتاده است، گردد.

محصول فراوان غلات این کشور در سالهای اخیر موجب شد که از نظر
 آماری قابلیت صادرات گندم تا ۲۲ میلیون تن افزایش یابد که این مقدار
 خیلی بیشتر از ظرفیت نگهداری و اداره آن کشور بوده است. صادرات این
 کشور در سال ۸۶-۹۸۵ مجموعاً "به حدود ۱۵ میلیون تن رسید که تقریباً "در سطح
 دوره ۸۵-۹۸۴ بود. تحت قانون بازاریابی گندم ("Wheat Marketing Act)
 قیمت‌های پرداختی به تولیدکنندگان با توجه به شرایط بازار جهانی تعیین
 میشود. روند قیمت‌های پرداختی نزولی بوده است و درآ مدحقیقی کشاورزان
 اکنون در پایین‌ترین سطح جنگ جهانی دوم قرار دارد.

در سوم مارس ۹۸۶ وزیر صنایع اولیه (کشاورزی و مواد خام) این کشور
 آخرین قیمت‌های حداقل تضمینی (G M P) را برای گندم برای دوره
 ۸۶-۹۸۵ (آوریل - مارس) اعلام کرد. آخرین قیمت‌های خیلی بیشتر از قیمت‌های
 حداقل تضمینی (G M P) اولیه بود که علت آن درآمدهای صادراتی بیشتر
 و هزینه‌های عملیاتی کمتر از حد انتظار در طول سال زراعی مذکور میباشد.
 آخرین G M P ها در مقایسه با G M P های دوره ۸۵-۹۸۴ در جدول زیر نشان
 داده شده است.

(۱): Guaranteed Minimum Price (G M P).

ماخذ:

(۱): International Wheat Council, Review of the World
 Wheat Situation, 1985/86 (London: April 1987).

(۲): U.N., Trade and Development Report 1986 (New York:
 U.N. Pub. 1986).

واحد: دلار برای هر تری

جدول شماره ۳- حداقل قیمت‌های تضمینی استرالیا

دلار آمریکا		دلار استرالیا		کیلا - قیمت	
(ب)	(الف)				
۱۹۸۵/۸۶	۱۹۸۲/۸۵	۱۹۸۵/۸۶	۱۹۸۲/۸۵		
۱۲۱/۲۲	۱۰۹/۶۰	۱۷۲/۸۷	۱۵۵/۳۵		گندم سفت ممتاز استرالیا (Australian Prime Hard Wheat)
۱۰۷/۵۴	۱۰۴/۱۰	۱۵۴/۸۷	۱۴۷/۵۵		گندم سفت استرالیا (Australian Hard Wheat)
۱۰۴/۰۷	۱۰۲/۵۴	۱۴۹/۸۷	۱۲۲/۳۵		گندم سفید استاندارد استرالیا (Australian Standard White Wheat)
۹۵/۷۲	۱۰۰/۶۰	۱۴۷/۸۷	۱۴۲/۶۰		گندم با مصرف عام استرالیا (Australian General Purpose Wheat)
۷۹/۷۷	۷۰/۸۰	۱۱۴/۸۷	۱۰۰/۳۵		گندم خوراکی دام استرالیا (Australian Feed Wheat)

(الف) : ادلا آمریکا = ۱/۲۱۷۲ دلار استرالیا (تبدیل با تقریب صورت گرفت است).
 (ب) : ادلا آمریکا = ۱/۲۲۰ دلار استرالیا.

مؤسسه بین‌المللی شل و گندم، Review of the World Wheat Situation,
 International Wheat Council, London, April 1987. 1985/86